

وب کاوی، سرک کشیدن به پستوهای «وب» همراه با داروسازان وب‌نگار «۵»

تهیه و تنظیم: شاد. دات. کام

مقدمه

انسان‌های نخستین دلتنگی‌هایشان را روی دیواره سنگی غارها حک می‌کردند، نقش‌های حکاکی شده تا مدت‌ها از حیواناتی بود که دیده بودند یا می‌شناختند. اما با کشف خط، نقاشی به جایگاه خودش رفت و دیواره غارها خط خطی! شد. در دوره‌های نزدیک به معاصر دیوارنویسی یک راه پیام‌رسانی مجاز شد که در کنار راه مجاز روزنامه‌نویسی و راه کمتر (غیر) مجاز شب‌نامه‌نگاری! به پیام‌رسانی پرداختند.

* * *

به یادگار کشیدم فطی به دلتنگی

در این زمانه ندیدم رفیق یک رنگی

پس می‌شد گاه دلتنگی خطی کشید: به تنه درختی، به دیوار خانه‌ای و یا در دفترچه خاطراتی. آن‌چه را که همه می‌دیدند وجهی عمومی یافت و آن‌چه در دفتر خاطرات می‌آمد جنبه‌ای خصوصی پیدا کرد. حالا در هزاره سوم برپا کردن وبلاگ برای خاطره‌نویسی در آن وسیله‌ای شده است برای فریاد زدن دلتنگی یا شریک کردن همگان در آن‌چه پسندیده‌ایم، از آن خوشمان آمده و یا این‌که دل‌مان را به درد آورده. این دل‌مشغولی جهان شمول برای کسانی مطلوب و مطبوع است که دل و دماغ نوشتن دارند و نیز مخاطبانی که وقت و حوصله گشت‌وگذار در فضای مجازی و مرور بر این نوشته‌ها.

از سر کنج‌کاوی کلمه «داروساز» را نشانه راه کردم و در هزارتوهای مجازی مجاز! رفتم جلو. گذارم به «وب‌کده‌هایی» افتاد گاه خواندنی و در مواردی دیدنی، به نظرم رسید که باید کار داروسازان یا دانشجویان جوانی باشند که هم روحیه نوجویی و نوگرایی دارند و هم آن‌قدر فرصت که هفته‌ای چند ساعت را صرف وب‌نگاری کنند و در فضای سایبر بگذارند تا هر عابر یا گذرنده‌ای آن‌ها را مرور کند لیخند بزند، غصه بخورد همدردی بکند یا ...

گذیده‌ای از آن‌چه را که دیدم از نظراتان می‌گذرانم. ابتدا آدرس وبلاگ می‌آید بعد یادداشت یا Post صاحب وبلاگ یا «وب‌کار». اگر خواستید خودتان سری به آن‌جاها بزنید و اگر سوغاتی مناسبی یافتید برای «رازی» بفرستید تا دیگران را نیز در لذت گردشگری‌هایتان شریک گردانید. حسن این گونه گشت‌وگذار این است که در هر وبلاگ به دیگران نیز لینک داده می‌شود و با یک غوطه ناگهان خود را در اعماق این کهکشان خواهید دید.

... چند تا خانوم دکتر؟!
آقای فلانی ریتالین ...
... یه جعبه؟!
آقای فلانی، زنیکال می‌خوام، اصلشم می‌خوام

...
... به چشم!
آقای فلانی شیر مرغ می‌خوام ...
... ۱ لیتر بسه؟!
آقای فلانی، جون آدمیزاد ...
... چند تا باشه؟ فقط کافیه یه زنگ بزیم!

■ همایش داروسازان

دیروز تو همایش دانش‌آموختگان دانشکده داروسازی دانشگاه تهران شرکت کردیم ... جاتون خالی ... چرا نیومده بودین؟!
یعنی باز از ۸۴ نفر بچه‌های ورودی ۷۸ ... چند نفر اومده باشن خوبه؟
نه تو رو خدا حدس بزنین؟!
۱۴ نفر!!!
عجیبه ...
راستی راستی بچه‌ها کجان؟
دنبال پول درآوردن؟ یا امتیاز جمع کردن؟ یا ...؟

از خیلی ورودی‌ها اومده بودن ... چهره‌های آشنا خیلی زیاد بود ... همه سعی می‌کردن از فرصت استفاده کنن و از حال و احوال هم خبردار شن ...
یه بلندگو داده بودن دست یه خانوم مجری که هی توش داد می‌زد لطفاً ساکت ... لطفاً حرف نزنین ... لطفاً گوش کنید ...
جالب بود وقتی هم کسی گوش می‌کرد حرف

■ اجاره داروخانه

والا قانون برای این نوشته شده که بگیریم: بابا ما هم متمدن ایم ... وگرنه اجرای قانون مال همون مردم و ممالکی هستش که قانون رو اختراع کردن ... قانون کیلو چنده؟!

یکی از منع‌های قانونی تو زمینه داروخانه‌داری بحث اجاره داروخونه است ... یعنی از نظر قانونی این معنی نداره که شما راه بیفتی بری به داروخونه رو از یه داروساز اجاره کنی و بگردونی و هر ماه بهش اجاره بدی ...

و اوایلا که الان داره چه اتفاقاتی تو سیستم دارویی این مملکت می‌فته ... تو این ۲ هفته گذشته تو یه داروخونه‌ای تو کرج شیفت می‌دادم که کم کم فهمیدم در اجاره چند تا آقای پراتیک هستش تازه این داروخانه شبانه‌روزی یکی از چندین تا داروخونه‌ای هستش که این آقایون اجاره کردن و دارن می‌چرخونن ...

اونم چه چرخوندنی ... اولش که رفتم اونجا با دیدن چرخش نسخه‌ها و کلاً صندوق با خودم گفتم این همه پرسنل واسه چی اینجا می‌چرخن؟! حقوق اینا از کجا می‌یاد؟

■ کم کم موضوع رو فهمیدم

آقای فلانی پروستاگلندین داری؟ ...
... بعله خانوم دکتر چند تا می‌خوای؟!
آقای فلانی تنوئید می‌خوام ...

۶ - آیا به داروساز می‌تونه بیماری‌ها رو تشخیص بده در مورد بیماری‌ها چه قدر می‌خونین؟

۷ - در دوره علوم پایه چه دروسی رو می‌خونین بعدش چی می‌خونین؟

۸ - می‌گن از لیسانس شیمی می‌شه دارو خوند شرایطش چیه چون می‌خوام اگه دارو نگرفت از شیمی وارد شم؟

۹ - در مورد زمینه تحقیقاتش اگه بشه زیاد بگین اگه شما بودید علاقتون رو انتخاب می‌کردید یا پول رو؟؟؟

در مورد تخصص‌های داروسازی اگه بشه توضیح بدید آیا اونایی که دارویی رو اختراع می‌کنن آیا دارو خوندند؟؟؟ کمک کنید به خاطر خدا. لطفاً اگه بشه واقعیت رو بگید نه تعریف نه بدگویی؟؟؟ حقیقت؟؟؟ ببخشید که خیلی سؤال پرسیدم زود جواب بدید وقتی نیست ببخشید در ضمن خیلی خیلی تشکر می‌کنم.

آیا اگه بخوایم به کار تحقیقی رو شروع کنیم آیا از طرف دولت پولش رو می‌دن یا کلاً باید از جیب خودمون باشه ... آیا حمایت می‌کنن و ... بعد منظورتون از این که گفتین برا رفتن به خارج به جای راحت برم سربازی چیه. مگه می‌شه هم دانشگاه و هم سربازی هر دو با هم / اصلاً کلاً منظورتون از جواب سؤال دو چیه؟

آیا برای رفتن به خارج دانشجویهای نمونه رو بورس می‌کنن یا با جیب خودمون باید بریم / چه قدر تقریباً هزینش می‌شه؟ اگه بخوایم بریم چه جوری؟ و چه شرایطی باید داشته باشیم؟ بعدش این که آیا باید نمره الف باشیم / اگه

خاصی برای زدن نداشتن ... به خرده موزیک سنتی و به شام خیلی بد مزه ...

ولی چه حالی داشت دیدن بچه‌های آشنا و ناآشنا از ورودی‌های مختلف دانشکده ... دیدن استادها به جا ... یکی پیر شده ... یکی چاق شده .. یکی کچل شده ... یکی ازدواج کرده ... یکی نی‌نی‌دار شده ...

فقط بی‌حالی بچه‌های ورودی ۷۸ جای تعجب داره ...

پی‌نوشت: هر چی تو گوگل گشتم، هیچ عکس درست حسابی از سردر دانشکده پیدا نشد ... این چه وضعیه!؟

سلام، ببخشید اگه بشه چند سؤال دارم

۱ - من رشته داروسازی رو به خاطر جنبه تحقیقاتی‌اش انتخاب می‌کنم در حالی که می‌گن موفق نمی‌شی چون مؤسسه‌ای نیست که حمایت کنه یا چندی میلیون پول می‌خواد در این مورد لطفاً توضیح بدین چه کنم؟؟؟

۲ - این که گفتین ادامه تحصیل در خارج؟ با پول می‌شه یا بورس می‌کنن .. مشکلاتش چیه؟؟؟

۳ - می‌گن ۲ سال برای باز کردن داروخانه نوبت می‌خواد در این ۲ سال ما چکار کنیم؟

۴ - باز کردن به داروخونه چه قدر هزینه می‌خواد و درامدش چی آیا خوبه قابل مقایسه با پزشکی یا ... است؟

۵ - آیا اگر کارخانه‌ها دانشجو جذب می‌کنن چرا ۹۰ درصد آن‌ها داروخونه باز می‌کنن؟

بخوایم تو به دانشگاه معتبر ادامه تحصیل بدیم چه شرایطی لازم داره؟؟؟
 بعدش این که نقش به داروساز در کشف به دارو بیشتره یا اونای دیگه ... به داروساز در کشف دارو چه قدر می‌توانه موثر باشه؟
 اگه به دارویی کشف شد به داروسازی که اونو کشف کرده چه قدر از فروش آن سهم می‌بره؟؟؟
 ببخشید من در تحقیقات دارویی چه قدر می‌تونم موفق بشم؟ ببخشید جواب تک تک سئوالاتم برام خیلی اهمیت داره ضمناً از شما خیلی تشکر می‌کنم ... خیلی آفایید
 سلام ... رشته داروسازی در دانشگاه در مورد نانو هم واحدی هست؟ من از زیست زیاد خوشم نمی‌یاد فقط به خاطر شیمی و خصوصاً نانو که فکر داروسازی به سرم زده!!! این رشته بیشتر به زیست مربوطه یا شیمی؟ مسلماً بیشتر در مورد بیماری‌ها همش می‌خونید؟ آخه کسی را یادمه که می‌گفت از زیست متنفر بودم به خاطر شیمی رفتم دارو ... می‌خوام بدونم یعنی شیمی در این رشته اوضاعش چه طوره که می‌شه با تنفر از زیست دارو خوند؟؟!! خواهش می‌کنم خیلی خیلی زود جواب بدید مرسی.

یعنی ...

یعنی منم ۱۰ سال پیش، موقع انتخاب رشته اینقدر پرت و پلا می‌بافتم؟!!
 والا ... من رتبه‌ام خوب بود پس حق انتخاب داشتم، از یکی از دبیرهام که کلاسای درسشو دوست داشتم راهنمایی خواستم ... اونم گفت: برو به رشته‌ای که دستت تو خون مردم نخوره ... شب

بیداری نداشته باشی .. وقتت قابل برنامه‌ریزی باشه تا بتونی به زندگی‌ت برسی ... محیط‌های کاریش تمیز و راحت ...
 منم اومدم داروساز شدم ... پشیمون هم نیستم ...
 بچه‌ها تو ۱۰ سال چقدر تغییر کردن ...
 برای داروخونه زدن دو دو تا چهار تا می‌کنن که برن داروسازی اگه نگرفت شیمی ...
 از الان به فکر اینن که اگه بخوان تحقیقات کنن پولشو کی می‌ده ...؟
 اگه دارو کشف کنن! چه قدر سهم از فروشش می‌برن!!
 اگه بخوان برن خارج آیا کسی بورسشون می‌کنه؟ پولش چه قدره!!
 درآمد داروخونه در مقایسه با پزشکی چه قدره!!
 آیا می‌تونن چون از زیست متنفرن بیان دارو بخونن؟
 ؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟
 نمی‌تونم درکشون کنم ... به نظرم بچه‌های الان به چیزی گم کردن ...
 احساس امنیت ... آرامش شاید ...
 به نظرم معنی درس خوندن و دانشگاه رفتن خیلی تغییر کرده ...
 اصلاً مردم برای چی درس می‌خونن؟ ... برای چی دانشگاه می‌رن؟ ... کاش یکی این سئوال رو بپرسه ...

■ nasonex

دیروز به نسخه اومده بود داروخونه که مریض

بیچارش کل شهر و واسه خاطر یه قلم دارو گشته بود و دست از پا درازتر اومده بود داروخونه و می‌گفت: «تو رو خدا اینو داشته باشین!»

حیف یادم رفت یه عکس از نسخهش بگیرم نشونتون بدم، تو اون خرچنگ قورباغه‌ها زیر مهر گنده دکتر، دارویی که آدم رو درگیر می‌کرد یه چیزی تو مایه‌های nasonex بود، اگه خانم مراجعه‌کننده نگفته بود دکتر گفته ۱۸۰۰۰ تومن پولشه و گفته هیچ جا ندارن ممکن بود همون اسپری نازال بکلومتازون رد کنیم بره ولی با توضیحات خانم و این‌که هیچ داروخونه دیگه‌ای حاضر نشده بود این نسخه رو بپیچه شک کردم و زنگ زدم مطب دکتر که خوشبختانه موفق شدم با خود دکتر صحبت کنم، اون قلم nasonex بود که مومتازون هستش و طبق کلام آقای دکتر محترم متخصص ریه کودکان و فوق تخصص ایمونولوژی: «FDA approval داره (!)، فقط یه شرکت تک نسخه‌ای واردش می‌کنه و من به اون خانم گفتم فقط برو داروخونه فلان که آقای بهمان توشه بگیرش» !!!

عجب!

البته این جای تأسف داره که وقتی کسی اون همه زحمت می‌کشه و علمشو به روز می‌کنه موقع تجویز دارو که بالفعل شدن درمانه، مجبور باشه به چند قلم داروی محدود ژنریک بسنده کنه و دستش برا تجویز اقلام جدیدتر بسته باشه، من کاملاً احساس آقای دکتر فوق تخصص ایمونولوژی رو در تمایل به «به روز بودن» تأیید و تحسین می‌کنم، ولی ...

با توجه به دریافت‌های من از منابع موجود:

■ طبقه‌بندی نازال اسپری‌ها براساس پنتسی (Lipophilicity) این جوریه:

فلونیسولید > تریامسینولون > بودزونید > بکلومتازون > فلوتیکازون > مومتازون

■ بین گزینه‌های موجود بکلومتازون بیشترین جذب سیستمیک و دو داروی فلوتیکازون و مومتازون کمترین جذب سیستمیک رو دارن.

■ تمامی کورتیکواستروئیدهای موضعی در بالین اثربخشی مشابه دارند.

■ فلونیسولید، تریامسینولون، بودزونید و بکلومتازون برای بچه‌های بزرگتر از ۶ ساله و دو گزینه آخر برای کودکان ۳ الی ۴ ساله مناسب‌ترند.

■ اثر بالینی این فرآورده‌های طی ۲-۳ روز قابل مشاهده است و حتی فرآورده‌های جدیدتر از جمله بودزونید، فلوتیکازون و مومتازون باعث بهبودی علایم در طی چند ساعت می‌شوند.

■ هزینه مورد نیاز برای تهیه ۳ مورد آخر به ترتیب شامل:

بکلومتازون ۲۴,۵۰۰ ریال (بیمه‌ای = ۸۰۰ تومان) > فلوتیکازون ۱۴۰,۰۰۰ ریال (بیمه‌ای = ۴۵۰۰ تومان) > مومتازون ۱۸۰,۰۰۰ ریال (بیمه‌ای نمی‌باشد)

■ زمان صرف شده برای تهیه ۳ قلم آخر به ترتیب شامل:

بکلومتازون = فلوتیکازون (اولین داروخانه سر راه) >>>> مومتازون (اولین شرکت تک‌نسخه‌ای که با محل مورد بحث ۳۵۰ کیلومتر فاصله دارد) >>>> خب ... آیا هیچ کدام از ۷ موردی که من پیدا کردم مومتازون رو خاص‌تر از بقیه می‌کنه؟

<http://www.pharmacysbmu.blogfa.com/>

■ دانشکده داروسازی شهید بهشتی

ظرفیت کل دانشکده‌های داروسازی سراسری
در سال ۸۶ : ۴۹۰ نفر
ظرفیت کل دانشکده‌های داروسازی سراسری
در سال ۸۷ : ۵۷۰ نفر

جدول ۱ - مقایسه ظرفیت دانشکده‌های داروسازی دولتی در دو سال متوالی

نام دانشکده داروسازی	ظرفیت کل در سال ۸۷	ظرفیت کل در سال ۸۸
اصفهان	۴۹	۶۰
تبریز	۵۰	۶۰
تهران	۱۰۰	۱۰۰
اهواز	۴۰	۴۰
زابل	۲۰	۲۰
زنجان	۳۵	۳۵
شهید بهشتی	۴۰	۵۰
شیراز	۵۸	۶۰
کرمان	۴۰	۴۰
کرمانشاه	۳۰	۲۵
ساری	۵۰	۵۰
مشهد	۵۸	۶۰
یزد	۰	۲۰
مجموع	۵۷۰	۶۲۰

ظرفیت کل دانشکده‌های داروسازی سراسری
در سال ۸۸ : ۶۲۰ نفر
ظرفیت سهمیه مناطق محروم در سال ۸۷ :
۲۹ نفر
ظرفیت سهمیه مناطق محروم در سال ۸۸ :
۳۱ نفر
میزان رشد : ۶/۵ درصد افزایش
ظرفیت پذیرش آزاد دانشکده‌های داروسازی در
سال ۸۷ : ۵۴۱ نفر
ظرفیت پذیرش آزاد دانشکده‌های داروسازی در
سال ۸۸ : ۵۸۹ نفر
میزان رشد : ۸ درصد افزایش
همچنین میزان رشد پذیرش دانشجوی داروسازی
در سال ۸۸ نسبت به سال ۸۷ معادل ۸ درصد
افزایش می‌باشد. امیدواریم افزایش میزان این
پذیرش لطمه‌ای به آینده داروسازان وارد نکند.

■ دانشجویهایی که استاد رو دست کم گرفتند

چهار دانشجو که به خودشان اعتماد کامل داشتند یک هفته قبل از امتحان پایان ترم به مسافرت رفتند و با دوستان خود در شهر دیگر حسابی به خوشگذرانی پرداختند. اما وقتی به شهر خود برگشتند متوجه شدند که در مورد تاریخ اشتباه کرده‌اند و به جای سه‌شنبه، امتحان دوشنبه صبح بوده است. بنابراین تصمیم گرفتند استاد خود را پیدا کنند و علت جا ماندن از امتحان را برای او توضیح دهند. آن‌ها به استاد گفتند: ما به شهر دیگری رفته بودیم که در راه برگشت لاستیک خودرومان پنچر شد و از آنجایی که زاپاس

■ تاریخچه‌ی دارو

دکتر گوشم درد می‌کند؟؟
۲۰۰۵ سال قبل از میلاد مسیح: این ریشه‌ی
گیاه را دم کن بخور.
۱۰۰۰ سال بعد از میلاد مسیح: آن ریشه به درد
نخور است این دعا را بخوان خوب می‌شوی!
۱۸۵۰ سال بعد از میلاد مسیح: آن دعا
خرافه‌پرستی است این معجون را بنوش!
۱۹۴۰ سال بعد از میلاد مسیح: آن معجون روغن
مار است این قرص را بخور!
۱۹۸۵ سال بعد از میلاد مسیح: آن قرص‌ها دیگر
موثر نیست این آنتی‌بیوتیک را بخور!
۲۰۰۹ سال بعد از میلاد مسیح: آن آنتی‌بیوتیک
شیمیایی است بیا همان ریشه‌ی گیاه را بخور!!!

نداشتیم تا مدت زمان طولانی نتوانستیم کسی را
گیر بیاوریم و از او کمک بگیریم، به همین دلیل
دوشنبه دیروقت به خانه رسیدیم... استاد فکری
کرد و پذیرفت که آن‌ها روز بعد بیایند و امتحان
بدهند. چهار دانشجو روز بعد به دانشگاه رفتند و
استاد آن‌ها را به چهار اتاق جداگانه فرستاد و به
هر یک ورقه امتحانی را داد و از آن‌ها خواست
که شروع کنند... آن‌ها به اولین مسأله نگاه
کردند که ۵ نمره داشت. سؤال خیلی آسان بود
و به راحتی به آن پاسخ دادند... سپس ورقه را
برگرداندند تا به سؤال ۹۵ امتیازی پشت ورقه
پاسخ بدهند که سؤال این بود: کدام لاستیک
خودرو پنجر شده بود...؟!
این است عاقبت دروغگویی

